

# نقش اسلام‌هراسی در افزایش گرایش به اسلام در اروپا و آمریکا

نورالدین اکبری کریم آبادی<sup>۱</sup>

## چکیده

اوضاع و احوال دنیای امروز حاکی از آن است که تمام قوای جهانی برای مبارزه با اسلام بسیج شده‌اند. استعمار با لشکرکشی نظامی، رسانه‌ها با اشاعه‌ی اسلام‌هراسی، گروه‌های متعصب صلیبی-یهودی با توهین به مقدسات اسلامی، مبشرین مسیحی با ترویج مسیحیت تحریف شده و... همه و همه عملاً در جبهه مبارزه علیه اسلام قرار دارند و با تمام نیرو و استفاده از تمام ابزارها در جهت تضعیف مسلمانان گوشه و کنار جهان تلاش می‌کنند. اما با وجود همه این تلاش‌ها دین اسلام امروزه سریع‌ترین رشد را در میان همه ادیان در آمریکا، اروپا، آفریقا و برخی نواحی دیگر جهان داشته است. به طوری که این دین، در حال حاضر دومین دین از نظر عدد پیروان در اروپا و آمریکاست. مقاله حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که با وجود این تلاش‌ها و اقدامات بیشمار در جهت اسلام‌هراسی چرا و چگونه گرایش به اسلام در اروپا و آمریکا افزایش یافته است؟ برای پاسخ دادن به سؤال فوق، در این مقاله تلاش می‌شود تا با تکیه بر روش‌های کیفی و تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌های استخراج شده از متون، نشریات و سایت‌های اینترنتی، ضمن تشریح ریشه‌ها و عوامل اسلام‌هراسی، موضوعاتی از جمله، تاثیر معکوس تبلیغات منفی غرب علیه اسلام، تحریک غیر مسلمان‌ها برای مطالعه در مورد اسلام، افزایش تعداد مساجد و مراکز تبلیغی-اسلامی و رواج ایده شکل‌گیری اروپای مسلمان به عنوان بخشی از پیامدهای اسلام‌هراسی که موجب افزایش گرایش به اسلام شده است، بررسی شود.

**کلید واژه‌ها:** اسلام‌هراسی، اروپا، آمریکا، اسلام، رسانه‌ها.

<sup>۱</sup> - کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، پست الکترونیک: akbari۹۳@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱۰ تاریخ تصویب: ۹۳/۷/۲۲

## مقدمه

اسلام هراسی یا اسلام را به عنوان تهدید معرفی کردن در چهار دهه اخیر، عامل مهمی در رابطه میان غرب و مسلمانان به ویژه رابطه با کشورهای غربی که با آنها مشکل داشته، بوده است. اسلام هراسی در غرب به لحاظ تاریخی پدیده ای قدیمی است اما به لحاظ صورت‌بندی گفتمانی و مفاهیم و واژگان کلیدی آن جدید است. ریشه تاریخی پدیده ترساندن از اسلام به زمان ظهور اسلام بر می‌گردد، به طوری که در طول تاریخ روابط ناآرام میان غرب و اسلام، هراس و ترس از اسلام در ذهنیت غربی تثبیت شد.<sup>۱</sup> تا همواره دیگری هویت‌زایی وجود داشته باشد و در سایه تهدید مجازی آن «خود جمعی» غرب از سایرین متمایز شود. به لحاظ نشانه‌شناختی، اسلام هراسی، گفتمانی است که گزاره‌های کلیدی آن از درون گفتمان‌ها و نظام معرفتی جدید غرب برخاسته است. از نظر نشانه‌شناختی معمولاً هر گفتمانی حاوی مجموعه‌ای از مفاهیم و گزاره‌های کلیدی است که یکی از این نشانه‌ها نقش کانونی دارد و سایر نشانه‌ها حول آن به گردش در می‌آیند و معنایی را تولید می‌کنند. مجری اسلام هراسی معتقد است که اسلام هیچ ارزش مشترکی با فرهنگ‌های دیگر ندارد. نسبت به غرب، فرهنگ پست تر است و بیشتر یک ایدئولوژی سیاسی خشن است تا یک دین. اسلام با خشونت و تروریسم نسبت ذاتی دارد.<sup>۲</sup>

به گمان نظام سلطه، گرایش‌های سیاسی در اسلام، امنیت غرب یا متحدانش را تهدید می‌کند و لذا اقدامات غرب علیه اسلام به ویژه اسلام سیاسی موجه است. به عبارت دیگر اسلام هراسی را باید بازی زبانی و برساخته ای گفتمانی دانست که کنشگران غربی در سال‌های گذشته با استفاده از جعبه ابزارهای گفتمانی مهم غرب یعنی واقع‌گرایی، لیبرالیسم و استثناگرایی برای برساختن دیگری غرب پس از سقوط کمونیسم مفصل بندی کرده اند تا از رهگذر آن کنش‌های خود را برای مقابله با جوامع

<sup>۱</sup> . کریمی، ۱۳۸۹: ۹۹.

<sup>۲</sup> . ایزدی، ۱۳۸۹: ۱۶۳.

مسلمان قابل قبول و مشروع جلوه دهند. به این صورت که با فروپاشی نظام دوقطبی، غرب که از نظر ذهنی با دشمن منسجم و ساختاری به عنوان کمونیسم عادت و خو یافته بود، بعد از اتمام جنگ سرد و به هم ریختن نظم بین‌المللی پیشین، هراس از اسلام را جایگزین هراس از کمونیسم کرد. بنابراین اسلام‌هراسی پدیده‌ای معاصر و محصول شرایط نوین است. جایگزینی خط سبز با خط سرخ در سطح جهان، وارد استراتژی‌های امنیت بین‌المللی شد. این نگاه اسلام‌هراسی، کم سابقه و شاید بی سابقه بود. مجموعه نگاه ترکیبی بر اسلام‌هراسی در فهم بستری به عنوان مفهومی راهبردی وارد ادبیات امنیتی شد، با این بستر ترکیبی باید دید اکنون مبانی، ریشه‌ها و به طور کلی عوامل راهبردی اسلام‌هراسی در غرب چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟

### بخش اول: ریشه‌ها، زمینه‌ها و عوامل اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی پدیده‌ای دیرین و با ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشخصی است که می‌طلبد در سطح اروپا و آمریکا یعنی خاستگاه اولیه آن بررسی مستقل و جداگانه‌ای گردد.

#### ۱- عوامل تاریخی اسلام‌هراسی

سابقه‌ی خصومت مسیحیان با مسلمانان به قرن هشتم میلادی باز می‌گردد، ولی باید اذعان داشت که ریشه اسلام‌ستیزی و یا به تعبیر دیگر «اسلام‌هراسی» در غرب و به‌ویژه اروپا ریشه دیرینه تری دارد و واکنشی به گسترش اسلام است. چرا که به عقیده آنان اسلام از آغاز تا کنون چند مرحله غرب را به چالش کشیده است. قرن‌های اولیه هجری، جنگ‌های صلیبی، توسعه امپراطوری عثمانی و رشد اسلام‌گرایی و ارزش‌های اسلامی در غرب حاکی از هراس غرب از اسلام است.<sup>۱</sup>

گسترش اسلام در قرن‌های اولیه هجرت (قرن هشتم میلادی)، (از ایتالیا و فرانسه گرفته تا اسپانیا)، نوعی هراس از مسلمانان و اسلام را در جهان مسیحیت به‌وجود آورد.

<sup>۱</sup> . خراسانی، ۱۳۹۰: ۴۶.

حضور مسلمانان در اسپانیا (اندلس) ۸ قرن به طول انجامید. در قرون یازدهم تا سیزدهم میلادی، اعلان جنگ علیه مسلمانان در طول جنگ‌های صلیبی، برخورد با اسلام و مسلمانان را ابعاد جدیدی بخشید. تسلط مسلمانان عثمانی بر «بیزانس» پایتخت روم شرقی در قرن ۱۵ میلادی و تحت کنترل درآوردن بخش‌های گسترده‌ای از اروپا (که تا محاصره وین پایتخت اتریش هم پیش رفت) مسیحیان ارتدکس را در مناطق گسترده‌ای تحت کنترل مسلمانان قرار داد و قلمرو مسیحیان کاتولیک را هم مرز با مسلمانان ساخت.

در طی قرن ۱۹ و ۲۰، توقف، انفعال و رکود در جهان اسلام از نگرانی گروه‌های ضد اسلامی کاست. از این زمان، غرب در حالتی تهاجمی قرار گرفت و مسلمانان سنگر به سنگر مواضع خود را واگذار کرده و عقب‌نشینی کردند. پس از احیای مجدد و بازیابی هویت جهان اسلام که از اواخر قرن بیستم و به‌ویژه با پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز شد، به تدریج مجدداً احساس ترس از اسلام و مقابله با مسلمانان در غرب در ابعاد جدیدی آغاز شد.<sup>۱</sup>

عامل دیگر در شکل‌گیری اسلام‌هراسی در فرایند تاریخی ناشی از اقدامات برخی به اصطلاح خاورشناسان غربی می‌باشد. همواره برخی از پژوهش‌گران غربی با عنوان مستشرق یا خاور شناس به تحقیق، نقد و بررسی علمی در موضوعات اسلامی پرداخته‌اند. اما این عده به بهانه تحقیق و اسلام‌شناسی همان اهداف کینه‌توزانه قرون وسطایی را تعقیب می‌کردند. از جمله این شرق‌شناسان می‌توان به **تئودور نولدکه**، **گارل بروکلمان**، **ژرف ساخت**، **گارل هینریش بکر** و... اشاره کرد. اگرچه خدمات ارزنده برخی از مستشرقان در شناساندن اسلام قابل تحسین و تقدیر است، لیکن هیچ‌گاه نمی‌توان از غرض‌ورزی‌ها، خیانت‌ها، تحریف‌ها، تهمت‌ها و خلاف واقع‌گویی‌های بعضی دیگر از آنان چشم‌پوشی کرد. خلاف واقع‌گویی‌هایی مانند: اسلام چیز تازه‌ای

۱. امینیان، ۱۳۸۷: ۱۰۶.

نیابنده و هرچه دارد از ادیان پیشین گرفته است، اسلام ناسازگار با علم و دانش و مظاهر تمدن است، نسبت دادن شهوت‌پرستی به دین اسلام، شخصیت نداشتن زنان در دین اسلام، مخالف تمدن و تجدد بودن اسلام، اسلام دین بردگی است، اسلام دین باج‌گیران و آیین جمود افکار و اندیشه هاست و... بیش از همه عوامل، در خراب کردن چهره واقعی اسلام موثر بوده است.

«ادوارد سعید» معتقد است این وارنه گویی‌ها معلول عوامل زیادی است که اهم آنها عبارتند از: ۱- عدم تسلط کافی بر زبان عربی و معارف و حقوق اسلامی ۲- دسترسی نداشتن به برخی از ماخذ و منابع اصیل به ویژه کتب مستند ۳- متاثر بودن از محیط و نوشته‌های غربی که نوعاً با اغراض ضد اسلامی آلوده است ۴- مانوس نبودن با روحیه و خصوصیات مردم شرق و فلسفه مشرق زمین ۵- تقید به مذهب و مسلک و مرام فکری و رسوبات اعتقادی خاص و اصرار در توجیه و تعلیل همه پدیده‌ها و جریان‌های دینی بر پایه آنها ۶- وابستگی برخی از این مستشرقان به استعمار و قدرت‌های استعماری، دستگاه بشری مسیحیت و صهیونیسم جهانی که در جهت خراب کردن چهره واقعی اسلام ماموریت دارند.<sup>۱</sup>

باید پذیرفت که از ابتدای رویارویی مسیحیت با اسلام تا زمان حاضر، مبلغان مسیحیت همواره استحاله و نابودسازی ارزش‌های اسلامی به‌ویژه در حوزه ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی اسلام و در نهایت اگر نگوئیم مسیحی کردن مسلمانان، لاقلاً تحقیر مسلمانان در برابر مسیحیت را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

پس از فروپاشی پرده آهنین و نابودی وحدت غرب در برابر دنیای کمونیست، نوعی دگرگونی ماهیتی در اختلافات بین‌المللی پدیدار شد. از یک سو با برتری سرمایه‌داری، فرایند جهانی‌سازی که اوج یک‌تازی لیبرال دموکراسی بود، آشکار شد و از سوی دیگر، تمدن غربی برای حفظ انسجام درونی، به بیگانه و دشمن خارجی نیاز داشت که در این راستا اسلام، بدین منظور معرفی شد. «هانتینگتون» می‌گوید: «مادام که

<sup>۱</sup> . پور اسماعیلی، ۱۳۹۱.

اسلام همچنان اسلام بماند و غرب نیز غرب بماند، نزاع بنیادین میان این دو تمدن و روش زندگی، روابط آنها را در آینده نیز تعریف خواهد کرد؛ درست به همان گونه که در ۱۴ قرن گذشته صورت پذیرفته است».

در نطقی دیگر «جان گالوین» فرمانده نیروی ناتو، به هنگام ترک بروکسل (مرکز اتحادیه ناتو) در سال ۱۹۹۲ اعلام کرد: «ما جنگ سرد را از روسیه کمونیست بردیم، حال می‌توانیم پس از یک کج‌روی ۷۰ ساله، به نبرد واقعی خود که قدمتی ۱۴۰۰ ساله دارد و همانا رویارویی با اسلام است بازگردیم».<sup>۱</sup> از این رو دستگاه‌های نظریه‌پردازی به کار افتاد و از نظریه «پایان تاریخ» فوکویاما پرده برداشت. پایان تاریخ به این معنا بود که همه چیز به لیبرالیسم غربی ختم خواهد شد و بقیه روش‌ها محکوم به شکست هستند. روس‌ها با شکست خود و چینی‌ها با تجدیدنظر در نظام اقتصادی خود بهترین ادله را در اختیار این نظریه قرار دادند. با رخداد حوادثی چون پیروزی نیروهای جهادی بر ارتش سرخ در افغانستان، پیروزی جبهه‌ی نجات اسلامی در الجزایر، پیروزی طالبان در افغانستان و معرفی چهره‌های خشن از این گروه به نام اسلام در غرب، مطرح شدن مسئله حجاب در مدارس غرب و به‌ویژه فرانسه، انتفاضه فلسطین و در نهایت حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، وقوع سلسله حوادث کوچک‌تر مانند بمب‌گذاری در مترو پاریس و دیگر شهرهای اروپایی، اسلام و مسلمانان در معرض گستاخانه‌ترین اتهامات، تحقیرها و توطئه‌ها قرار گرفتند.<sup>۲</sup>

در طول این دوران و به‌ویژه روزهای پس از حوادث ذکر شده، صدها عمل جنایت‌کارانه علیه مسلمانان، مساجد و اماکن متعلق به مسلمانان صورت گرفت. شدت این اقدامات در مواردی حتی به کشته شدن مسلمانان این جوامع منجر گردید.

## ۲- عوامل جمعیتی، مهاجرت و تقابل فرهنگها

اصطلاح اسلام‌هراسی برای نخستین بار از اواخر دهه ۱۹۸۰ در غرب رایج شد.

<sup>۱</sup> . منصوری، ۱۳۸۶: ۱۶.

<sup>۲</sup> . نقیب زاده، ۱۳۸۵: ۷-۴.

ریشه این پدیده نگران کننده به زمانی باز می‌گردد که جامعه غربی با تئوری اجتماعی چند فرهنگی و هویت سیاسی روبه‌رو شد، و مجبور گردید تا ذهن متفکران خود را نسبت به بیگانه‌هراسی و عدم پذیرش فرهنگ‌های بیگانه، حساس کند و از آنها بخواهد تا راه‌حلی برای پذیرش چند فرهنگی در جوامع غرب بیاندیشند. در این میان، مواجهه جهان غرب با موج قابل توجه مهاجران مسلمان که در اکثر کشورهای اروپایی بیشترین رقم اقلیت‌های مهاجر را تشکیل داده‌اند، به بزرگترین چالش اجتماعی تبدیل شد.

جوامع مسلمان مایل به ادغام در جوامع غربی نبودند. اینان با نشانه‌های بارز ظاهری که در نوع پوشش ظاهری زنان و آرایش مردان آنها مشهود بود، عدم تطبیق خود با کشورهای مزبور را به رخ می‌کشیدند. در این میانه جوامع اروپایی نیز تلاشی برای شناختن صحیح آن‌ها نداشت و ترجیح داد تا شهروندان اروپایی و امریکایی آن‌ها را بیگانه بدانند. در اوایل ۱۹۹۰ واژه «بیگانه‌هراسی» که از آن به عنوان یک آسیب جدی اجتماعی برای شهروندان اروپایی یاد می‌شود، جای خود را به واژه اسلام‌هراسی داد. در سال ۱۹۹۱، برخی جامعه‌شناسان و صاحب نظران فرهنگی اروپایی هشدار دادند که شکل جدید نژادپرستی به احساس برتری اعتقادی تغییر یافته و شهروندان اروپایی فکر می‌کنند که عقیده‌اشان از دیگران بالاتر است امری که آسیب‌های اجتماعی‌اش به مراتب وخیم‌تر از برتری جویی به دلیل رنگ پوست و مو است.<sup>۱</sup>

مسلمانان مهاجری که عمدتاً برای کار از پایان جنگ جهانی دوم به اروپا آمده‌اند، به دلیل تعلق به طبقات پایین جامعه، سطح پایین تحصیلات، خاستگاه سنتی و عواملی از این قبیل توانایی کمتری برای انطباق با فرهنگ سرزمین جدید را داشتند. این تصلب فرهنگی در میان نسل نخست مهاجران بیش از نسل‌های بعدی وجود داشت و باعث به وجود آمدن نوعی پیش‌داوری در میان اروپاییان در خصوص تمامی مسلمانان شد.<sup>۲</sup> به واقع، مهاجرت مسلمانان به این جوامع و تشکیل جوامع متمایز در داخل جوامع

<sup>۱</sup> . ایرانلو، ۱۳۸۵: ۱۱.

<sup>۲</sup> . مرشدی زاده، غفاری هاشچین، ۱۳۸۶: ۱۲۷.

غربی و همچنین گرایش غیرمسلمانان در این جوامع به اسلام و رشد بیشتر جمعیت مسلمانان مهاجر به نسبت سایر سکنه این کشورها باعث ایجاد و توسعه جوامع مسلمان در اروپا و در نتیجه موجبات تشدید حساسیت نسبت به مسلمانان را در میان کشورهای اروپایی فراهم کرده است.<sup>۱</sup> به طور مثال درباره‌ی میزان زاد و ولد مسلمانان، در یک گزارش میزان زاد و ولد مهاجران مسلمان فرانسه، ۹ برابر فرانسوی‌تباران ذکر شده است.<sup>۲</sup> با این حال، اروپا هرگز نباید فراموش کند که مهاجرت به بسیاری از کشورهای اروپایی کمک می‌کند تا بر مشکل کاهش جمعیت‌اشان فایق آیند، زیرا در آنجا به دلیل نرخ پایین باروری و ساختار سنی سالمند جمعیت، تعداد مرگ و میر از تعداد موالید بیشتر است. «جولیان سایمون» اقتصاددان برجسته در کتابش به نام «منابع بازپسین» از انسان‌ها به عنوان منابع نهایی نام برده و مهاجرت را یک امر مطلوب اقتصادی دانسته بود، زیرا تعداد نفرات بیشتر به معنای خلاقیت و رشد بیشتر است. نتایج نشان می‌دهد برای حفظ نیروی کار در کشورهای فرانسه، آلمان، ایتالیا و انگلیس به میزان سال ۱۹۹۵ مهاجرت باید تا ۱،۱ میلیون نفر در سال افزایش یابد و سرانجام برای حفظ امنیت اجتماعی که به معنای حفظ نسبت افراد ۱۵ تا ۶۴ سال (جمعیت فعال) به افراد ۶۵ سال به بالاتر است، مهاجرت باید ۳۷ برابر افزایش یابد و به حدود ۹ میلیون نفر در سال برسد.<sup>۳</sup>

کشورهای اروپای مرکزی و شرقی نیز حتی رشد جمعیت کندتری نسبت به کشورهای اتحادیه خواهند داشت و جمعیت کاری آن‌ها در سالهای آینده مانند کشورهای اتحادیه کاهش خواهد یافت. بنابراین، بیشتر کشورهای اروپایی با کاهش مداوم نیروی کار در بعضی از بخش‌ها و یا سطوح مختلف مهارتی روبه‌رو هستند. گرچه شاید مهاجران بسیاری از معضلات سیاسی، اقتصادی و به‌ویژه فرهنگی خود را برای جوامع مهاجرپذیر اتحادیه اروپا به ارمغان آورند، ولی باید پذیرفت که بسیاری از

۱. امینیان، ۱۳۸۷: ۱۱۲.

۲. منصوری، ۱۳۸۵: ۳۸.

۳. مارتین، ویگرن، ۱۳۸۶: ۴۸-۴۵.



شغل‌هایی که مهاجران در جوامع غربی بر عهده می‌گیرند، مشاغل سخت و پست جامعه است، کارهایی که کم‌تر جمعیت بومی کشورهای اروپایی آنها را می‌پذیرند. همچنین، این مهاجران نسبت به شهروندان بومی از حقوق کمتر و ساعت کاری بیشتر برخوردار هستند.

با این وجود، در سال‌های پس از ۱۱ سپتامبر، افزایش حساسیت نسبت به مسلمانان در اروپا سبب شده است که امور آنان با دقت و موشکافی دنبال شود. برای نمونه، احزاب دست راستی اظهار می‌دارند که برای ۴ سال پی در پی، نام «محمد» برای کودکان پسر که در «بروکسل» به دنیا آمده‌اند، بیش از نام‌های دیگر برگزیده شده است. یک حزب دست راستی دانمارکی چندی پیش در پوستر انتخاباتی خود، دختر بلوند جوانی را نشان می‌دهد که زیر آن نوشته شده است وقتی که این دختر بازنشسته شود، بیشتر جمعیت دانمارک را مسلمانان تشکیل می‌دهند. مخالفت‌ها با مسلمانان در اروپا تا بدان جا پیش رفت که برخی صاحب‌نظران مستقل و حتی اروپایی معتقدند که تمام ایرادات مربوطه به وضعیت حقوقی بشر، آزادی‌های اقتصادی و غیره در مورد پیوستن کشور ترکیه به اتحادیه اروپا بهانه‌ای بیش نیست و موضوع اصلی نگران‌کننده برای مخالفین، دین مردم ترکیه و تغییر چهره اتحادیه اروپا از نهادی مسیحی به نهادی مختلط است.<sup>۱</sup>

هم اکنون ۶ میلیون ترک در کشورهای عضو اتحادیه اروپا زندگی می‌کنند که این میزان بیش از جمعیت برخی از دولت‌های اروپایی است. حال اگر ترکیه مسلمان با ۷۵ میلیون جمعیتش به اروپا بپیوندد، قطعاً چندین میلیون ترک مسلمان به امید زندگی بهتر راه اروپا را در پیش می‌گیرند، در این صورت دیگر نمی‌توان از هویتی مسیحی سخن به میان آورد. شاید به علت همین مشکل بود که «منصور آغان» روشنفکر و اندیشمند برجسته‌ی ترک در مصاحبه‌ای با نشریه معتبر «فارین پالیسی» در پاسخ به سؤالی در مورد مقایسه وضعیت حقوق بشر در ترکیه و رومانی این گونه به این پرسش پاسخ می‌دهد.

«بین ما و رومانی یک تمایز وجود دارد: آنها مسیحی‌اند و ما نیستیم. البته که ما

<sup>۱</sup> . نوع پرست، ۱۳۸۳: ۸۸ - ۸۷

مسیحیانی داریم که در ترکیه زندگی می‌کنند و به همان اندازه نیز یهودیان و دیگر اقلیت‌های دینی نیز هستند، اما ترکیه کشوری اسلامی است و اروپاییان این ایده را نمی‌پسندند که یک کشور مسلمان وارد اتحادیه اروپا شود.<sup>۱</sup>

### ۳- غیریت‌سازی

دنیای غرب بعد از جنگ جهانی دوم، سیاست‌ها و اهداف خود را در جهان در راستای مقابله با نفوذ کمونیسم و شوروی سابق سامان می‌داد و از آن به خطر سرخ یاد می‌کرد. اما پس از فروپاشی شوروی سابق، غربی‌ها در پی غیریت‌سازی‌های جدیدی برای توجیه رفتارها و کنش‌های توسعه‌طلبانه خود برآمدند. به عبارتی یافتن تهدید جدید می‌توانست موجب بازسازی هویت انسان غربی شود، از این رو این مهم تبدیل به یکی از دغدغه‌های اصلی نظریه‌پردازان و حاکمان مغرب زمین شد. لذا نظریه‌هایی همچون «برخورد تمدن‌ها» و «پایان تاریخ» و... مطرح و در پی ساختن نظم نوین جهانی برآمدند. واقعه ۱۱ سپتامبر هم به این مسأله شدت بخشید و مسأله تروریسم اسلامی را مطرح و از اسلام به عنوان خطر سبز یاد کردند. در نتیجه جوامع غربی حول محور مقابله با این تهدید شروع به غیریت‌سازی با اسلام نمودند. بنابراین اسلام و ارزش‌های اسلامی و مسلمانان به عنوان اصلی‌ترین تهدید برای امنیت ملی، فرهنگ و تمدن غربی محسوب شده و به کمک ابزارها و تکنولوژی‌های رسانه‌ای پیشرفته افکار عمومی غرب را تهدید و اسلام را جایگزین خطر کمونیسم و شوروی نمودند. از این چشم‌انداز با فروپاشی شوروی و تغییر ساختار نظام بین‌الملل، سخن از جنگ سرد دیگری است که این بار نه تنها در ساحت قدرت سخت بلکه در ساحت قدرت نرم و بر پایه تجدید هویت‌های منطقه‌ای که بر قوم و مذهب تأکید دارند استوار شده است و عمده‌تأ غیریت‌سازی‌های فرهنگی و تمدنی معیار اصلی دسته‌بندی‌ها و یادگیری‌ها در سطح بین‌المللی است.

<sup>۱</sup> . همان.

<sup>۲</sup> به اعتقاد برخی از صاحب نظران از جمله جوزف نای نویسنده کتاب «قدرت نرم» نقشی که در دوران جنگ سرد به شوروی و کمونیسم داده شده بود پس از فروپاشی شوروی به اسلام داده شد. ( نای، ۱۳۸۷: ۱۲۲)

#### ۴- بحران هویت در اروپا و آمریکا

در آخرین روزهای سال ۲۰۰۹ «رمزی بارود» در مجله سیاست خارجی در مقاله ای تحت عنوان «مسلمانان نباید هزینه بحران هویت اروپا را بپردازند» نوشت در اروپا و بسیاری فرهنگ‌های دیگر فرود هویت ملی و دینی (مسیحیت) باعث شده تا رهبران سیاسی، فکری و اجتماعی تخطئه و تبعیض علیه اسلام و مسلمانان را در اولویت قرار دهند و به گفته «شاهد مالک» نخستین وزیر مسلمان دولت بریتانیا، مسلمانان امروز، «یهودیان اروپای» دیروز تلقی می‌شود و شاهد نژادپرستی و تبعیض هستند.<sup>۱</sup> در پیمایشی در سال ۲۰۰۴ م که در انگلستان انجام گرفت، ۸۰ درصد از مسلمانان مورد مصاحبه ابراز داشتند که آنها به دلیل دین خود مورد تبعیض واقع شده اند، حال آن که این رقم در سال ۲۰۰۰ میلادی ۴۵ درصد و در سال ۱۹۹۹ م ۳۵ درصد بود. دفاتر ضد تبعیض در هلند طی چند سال گذشته تعداد روز افزونی از شکایت‌ها در خصوص آنچه تبعیض نژادی دارای انگیزه‌های دینی نامیده شده است، دریافت کرده‌اند، و بیشتر این ۲۷۰ شکایت کننده در سال ۲۰۰۳ م به عنوان مسلمان یا به عنوان نیابت از مسلمانان ثبت نام کرده‌اند.<sup>۲</sup> بحران هویت در غرب در دو دهه آخر قرن ۲۰ به اوج خود رسید و در دهه ۱۹۹۰ به ویژه با رشد فزاینده عملیات تروریستی در کشورهای آفریقایی، آسیای میانه و قفقاز، خاورمیانه عربی و آسیای جنوب غربی و شرقی، این امر حتی گفتمان جنگ و تنازع تمدن‌ها را توسط متفکران آمریکایی مانند هانتینگتون و دیگران در حوزه‌های اروپایی و حتی آسیایی، وارد ادبیات سیاست و روابط بین الملل نمود.

#### ۵- عوامل دیگر رشد اسلام‌هراسی در اروپا

در مقطع کنونی، علاوه بر عوامل جمعیتی و تاریخی و... اشاره شده، چند عامل دیگر به رشد اسلام‌هراسی در اروپا کمک کرده است.

۱- شهروندان اروپایی گمان می‌کنند که مسلمانان افرادی منزوی، جدایی طلب و

گوشه گیرند. آنها مایل به حل شدن در جامعه نیستند و از معاشرت و تبادل فرهنگی و معیشتی با غیرمسلمانان دوری می‌کنند؛

۲- شهروندان اروپایی و غربی فکر می‌کنند که دین اسلام یک دین تک صدایی، راکد و بی‌اعتنا به تغییر و تحول است و از آن رو جایی در جامعه مدرن ندارد؛

۳- اروپایی‌ها مسلمانان را بزرگترین منتقدان خود می‌دانند؛

۴- تلاش طولانی اروپا و غرب برای تحقیر مسلمانان و معرفی اسلام به عنوان دینی غیرمنطقی و بدوی به دنیای غرب به‌ویژه نسل‌های جدید؛

۵- تصویر غرب مبنی بر اینکه اسلام در پی حکومت کردن بر آنان است.<sup>۱</sup>

۶- به باور بسیاری از اروپاییان و غربی‌ها هر قدر هم که اسلام و دموکراسی در تئوری با یکدیگر موافق و هم گام باشند، در عمل با یکدیگر ناسازگاری دارند؛

۷- معرفی کردن اسلام به عنوان دینی ضدزن و غیرمسلمانان؛

۸- رشد و تقویت گرایش‌های راست افراطی و احزاب افراطی در اروپا (به‌ویژه در کشورهای اتریش، ایتالیا، هلند، فرانسه و آلمان)؛

۹- شرایط نظام بین‌الملل پس از ۱۱ سپتامبر و عملکرد رسانه‌های غربی در پیوند دادن اسلام با خشونت.<sup>۲</sup>

### بخش دوم: پیامدهای اسلام‌هراسی در افزایش گرایش به اسلام در اروپا و آمریکا

همان گونه که قبلاً مطرح کردیم ضدیت با اسلام و تهدید پنداشتن آن ریشه در روابط اسلام و غرب دارد که همواره داستانی از اختلاف و خصومت بوده است. پیروزی‌های اولیه اعراب پس از ظهور دین اسلام، جنگ‌های صلیبی از سده‌های ۱۱ تا ۱۳ میلادی، گسترش امپراطوری عثمانی به اروپای شرقی در سده‌های ۱۵ و ۱۶ و ایجاد نظام‌های استعماری در کشورهای عربی توسط فرانسه، انگلستان و تا حد کمتری ایتالیا در سده‌های ۱۹ و ۲۰ و در نهایت، وقوع رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م همه اشکال متفاوتی

<sup>۱</sup> . ایرانلو، ۲۶ مهر ۱۳۸۵: ۱۱.

<sup>۲</sup> . قهرمان‌پور، ۱۳۸۷: ۲۵.

را از ضدیت با اسلام شکل داده است.<sup>۱</sup> انتساب واقعه ۱۱ سپتامبر به اسلام‌گرایان این احساس را در دولتمردان غربی به وجود آورد که با آزادی عمل بیشتری می‌توانند حملات تبلیغاتی و نظامی خود را بر ضد مسلمانان تدارک ببینند. بر همین اساس، سیاست جدی و علنی دنیای غرب و در راس آن آمریکا، برای به راه انداختن یک جنگ صلیبی جدید ضد دنیای اسلام شکل گرفت. جورج بوش دقیقاً پس از رخداد انفجار برج‌های دو قلو ی نیویورک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م از شروع چنین جنگی با مسلمانان سخن به میان می‌آورد. اگرچه بوش پس از مخالفت و اعتراض مسلمانان آمریکا نسبت به این اظهارات در ظاهر تجدید نظر کرد و سعی داشت از سیاست جدید آمریکا حساسیت زدایی شود، از نگاه مسلمانان جنگ صلیبی با آنان در واقع، به عنوان استراتژی آمریکا و غرب در مصاف عملی با دنیای اسلام است و مولفه‌های اصلی آن به تدریج در فرهنگ سیاسی - تبلیغاتی غرب استفاده شده و به طور روزافزونی مورد تاکید و عمل واقع شده است.

اقدام تهدیدآمیز تبلیغاتی - روانی «تری جونز»، کشیش گمنام آمریکایی مبنی بر به آتش کشیدن قرآن کریم در نهمین سالگرد حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، «قرآن سوزی» در چند نقطه آمریکا در سایه حمایت پلیس این کشور پس از این جنجال رسانه ای، اقدام مرکل صدراعظم آلمان به اعطای جایزه آزادی بیان به کاریکاتورست موهن به پیامبر اسلام (ص)، ساخت کاباره ای به شکل کعبه در اسپانیا، مخالفت با ساخت مسجد و افزایش فضای امنیتی علیه مسلمانان در کشورهای مدعی آزادی چون سوئیس، سوئد، نروژ و بلژیک، تولید برنامه‌های سینمایی، انیمیشن و رایانه‌ای توهین‌آمیز نسبت به مقدسات اسلامی (همانند ساخت فیلم ضد قرآنی فتنه توسط نماینده پارلمان هلند)، معادل‌سازی غرب از دوگانه اسلام تروریسم و تأکید مقامات غرب بر معرفی مسلمانان به عنوان تروریست، تشکیل برنامه‌های به اصطلاح علمی و کارشناسی در راستای انقلاب هراسی و ممانعت از روند رو به رشد الگوگیری از آرمان‌های امام (ره) و مقام

۱. ماه پیشانیان، ۱۳۸۸: ۱۵۲.

معظم رهبری در بین مجامع اسلامی منطقه و در یک کلمه ترویج «ایران هراسی» گوشه ای کوچک از فهرست بلند بالای مصادیق سناریوی شومو نانوخته غربی با صحنه آرایبی آمریکای جنایتکار علیه اسلام، انقلاب و ایران در جهان است که در حال برنامه ریزی و اجرایی باشد. اما با وجود این تبلیغات گسترده اسلام هراسی و محدودیت‌ها و فشارهای روزافزون به مسلمانان در کشورهای غربی و تصویرسازی مسموم رسانه‌ای، موج بیداری اسلامی در جهان اسلام، نقش روزافزون مسلمانان غرب در حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه میزبان و افزایش توجه آنان به هویت اسلامی و شعائر دینی نشان دهنده ناکامی غرب در حصول به اهداف خود در دامن زدن به جریان اسلام هراسی است. واقعیتی که پیامدها و نتایج زیادی را به دنبال داشته است و در ادامه به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود.

### ۱- تاثیر معکوس تبلیغات منفی غرب علیه اسلام

از سال ۲۰۰۱ به بعد، طراحان پروژه اسلام هراسی، تمام تلاش خود را به کار بسته‌اند تا چهره‌ای خشن از اسلام ارائه کنند و مسلمانان را تروریست و خشونت طلب نشان دهند در این سالها در غرب، تهدید و فشار علیه مسلمانان افزایش یافته و زندگی آنها با دشواری مواجه شده است. اما به رغم چهره مخدوشی که دستگاه‌های تبلیغاتی غرب از اسلام و مسلمانان ترسیم می‌کنند امروزه دین اسلام، مورد استقبال بسیاری از غربی‌ها قرار گرفته است<sup>۱</sup>. این مسئله، طراحان پروژه اسلام ستیزی را در غرب، نگران ساخته است. چرا که آنها علیرغم استفاده از روش‌های مخرب و نفوذ رسانه‌های خود، نه تنها نتوانسته‌اند مانع از گسترش اسلام در غرب شوند؛ بلکه تا حدود خیلی زیادی

<sup>۱</sup> فضایی که غرب علیه مسلمان ایجاد و سعی کرده به آن دامن بزند، گذشته از این که در چند سال اخیر از این فضا کمی کاسته شده، فضایی کاملاً منفی است و نگاهشان به غیر غربی‌ها نگاه درجه دوم است. برای غربی‌ها، غیر غربی‌ها شهروندان درجه ۲ جهان هستند، این تلقی ای است که بشدت رواج داده می‌شود در عین حال که این تبلیغات وجود دارد می‌بینیم که گرایش به اسلام روبه رشد است و به نظر می‌رسد که حتی یکی از علت‌های گرایش به اسلام تبلیغات وسیع اینها علیه اسلام است، یعنی یکی از علت‌هایی که سبب شده مردم وادار شوند که ببینند اسلام چیست، تبلیغات منفی آنهاست. به همین خاطر می‌بینیم که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر میزان جمع کسانی که به اسلام پیوستند، افزایش پیدا کرد. تبلیغات علیه اسلام گسترده تر شد، اما در عین حال همین امر نتیجه معکوس داده است.

تبلیغات منفی غرب و دامن زدن به اسلام هراسی توسط برخی قدرت‌های غربی، نتیجه عکس نیز به دنبال داشته و این موضوع در افزایش گرایش پیروان دیگر ادیان به دین مبین اسلام در اروپا به وضوح قابل مشاهده است. حضور شهروندان اروپایی و غیر اروپایی در محل نمایندگی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور و گرویدن آنها به اسلام بیانگر آن است که تبلیغات منفی غرب علیه دین رحمانی اسلام نه تنها تاثیری بر افکار عمومی جهان نداشته، بلکه نتیجه عکس برای این کشورها را در پی داشته است. یکی از عوامل مهم و موثر در گرایش این افراد به اسلام، بی تردید تاثیر معکوس و مغرضانه تبلیغات منفی رسانه‌ها و بنگاه‌های خبرپراکنی غربی وابسته به حکومت‌های استعماری و استکباری و ملحد به منظور ایجاد جو اسلام هراسی و دین‌گریزی است به گونه ای که این اقدامات نه تنها نتیجه‌ای برای سردمداران غرب نداشته بلکه زمینه را برای گرایش و جذب شهروندان این کشورها و بخصوص افراد تحصیل کرده، فرهیخته و منصف، به دین اسلام را بیش از پیش فراهم آورده است. همچنین دینی که با فطرت بشریت عجین شده با تبلیغات غیر واقعی و منفی ممکن است چند صباحی مورد غفلت و توجه نباشد لیکن پس از روشن شدن واقعیت‌ها و بیان حقایق نورانی و انسان ساز معرفت اسلامی و قرآنی به صورت صحیح بیش از پیش مورد توجه علاقه مندان قرار خواهد گرفت.

آقای «دلجو حسینی» که خود نیز در اروپا زندگی می‌کند در غرب بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، به بررسی روند گرایش مردم غرب به اسلام می‌پردازد و می‌گوید: «تبلیغات زهرآگین و منفی و خصمانه همیشه علیه اسلام جریان داشته است خصوصا از سال ۲۰۰۱ میلادی بعد از حوادثی که در آمریکا به وجود آمد این تبلیغات تقریبا بسیار شدید شد و در بسیاری جاها شکل عملی را به خود گرفت. در بسیاری از کشورها خصوصا در آمریکا منجر به حملاتی به مراکز اسلامی، مساجد، مغازه‌ها و حتی مراکز فرهنگی و دارایی‌های شخصی افراد خصوصا زن‌های محجبه در مکاتب، مدارس، در محل کار، تبلیغات در روزنامه‌ها شد. و بالاخره برگزاری سمینارها و داشتن میزگرد در تلویزیون‌ها

و تعلیمات به افرادی که معمولاً مشخص بودند که چه نوع وظیفه ای را دنبال می‌کنند و از چه قماش‌هایی هستند همچنان سختگیری درمورد ورود مسلمانان به غرب و سلب شدن آزادی‌های فراوان حتی در درون منازل مردم حوادث دردناک و سختی بود که اینها با مسلمانان برخورد کردند؛ اما دیده شد که برعکس تمام برخوردهای منفی و غیرانسانی و غیراخلاقی با مسلمانان از طرف دولت‌های غربی و زیادتر شدن تبلیغات و فشار علیه آنها روند گرایش مردم غرب به مطالعه و گرویدن به اسلام بیشتر می‌شود. در دنیای کنونی، شیوع فساد اخلاقی و نیاز شدید جوامع بشری به تحول اساسی و همچنین موقعیت روشن و جاودانه قرآن از نظر هدایت و راهبری، افقهای روشنی را پیش روی انسان معاصر قرار داده است. امروز جامعیت اسلام و نشاطی که این دین در فرد ایجاد می‌کند، بیش از پیش آشکار شده است. انسانی که خواهان ترقی و تکامل است و می‌خواهد دامنه توانایی‌ها و موقعیت‌های خود را توسعه دهد، اینک اسلام را به عنوان پدیده‌ای راهبردی و هدایت‌گرانه می‌بیند که نه تنها با خواسته‌های معقول او مخالف نیست، بلکه او را برای رسیدن به طریق سعادت همراهی می‌کند.<sup>۱</sup> «دیل جونز»، تحلیلگر داده‌ها در اداره آمار مذهبی، معتقد است که تشدید احساسات ضداسلامی بعد از حملات ۱۱ سپتامبر احتمالاً بیشتر از آنکه باعث کند شدن حضور مذهب در امریکا شده باشد، باعث رشد بیشتر آن شده است و آنهایی که در مورد تغییر مذهب به اسلام دچار تردید بوده‌اند، به طور اصولی دست به چنین کاری زده‌اند. جونز می‌گوید: آزار و اذیت گروه‌های مذهبی گاهی اوقات از این جهت که باعث می‌شود آنها قادر باشند به برخی دلایل پیروان بیشتری برای خودشان جذب کنند، برای خودشان خوب است. او می‌افزاید: در بین مخالفان (مذهب) به ندرت عامل مؤثری برای متوقف کردن رشد یک جنبش وجود دارد. دکتر «احسان باگبی» استادیار مطالعات اسلامی در دانشگاه کنتاکی با این موضوع موافق است که هرگونه احساسات منفی علیه اسلام فقط باعث تقویت حالت جهندگی جامعه مسلمانان می‌شود. آنها با مقاومت قوی‌تر می‌شوند. اگر هر چیزی «هلو پیر تو گلو باشد» کندتر رشد

۱. حسینی، ۱۳۸۹.



پیدا می‌کند. من معتقدم که فضای ضد اسلامی بخش مهمی از فضای عمومی است که در عمل باعث می‌شود مسلمانان مذهبی‌تر شوند.<sup>۱</sup>

در پی موج جدید اهانت‌ها به دین مبین اسلام و هجمه سنگین تبلیغاتی و رسانه‌ای غرب بر ضد مسلمانان - اعم از انتشار فیلم فتنه و چاپ مجدد کاریکاتورهای موهن بر ضد ساحت پیامبر گرامی اسلام(ص) - که سعی در ایجاد "اسلام‌هراسی" و تروریست جلوه دادن مسلمانان را داشت، این عملیات نتایج معکوس به همراه داشت؛ تا جایی که موج جدیدی از گرایش به اسلام در غرب به راه افتاده است. به گزارش اینبا به نقل از سایت خبری "محیط"، روزنامه دیلی تلگراف با اشاره به نتایج معکوس تلاش توهین‌کنندگان به اسلام برای جلوگیری از گرایش به اسلام در غرب خاطر نشان کرد: ۳ هلندی تنها با مشاهده عبارت پایانی فیلم ضد اسلامی فتنه یعنی "اسلامی شدن اروپا را متوقف کنید"، به دین اسلام مشرف شدند، این روزنامه در ادامه بیان می‌کند: هزاران هلندی به کتاب فروشی‌ها هجوم آوردند تا قرآن‌های ترجمه شده و یا لوح‌های فشرده این کتاب آسمانی را بخرند؛ این در حالی بود که بعد از گذشت چند ساعت، قرآن در بازارهای هلند نایاب شد. آشنا شدن هلندی‌ها با قرآن مجید و تعالیم بشردوستانه و حکیمانه آن باعث شد تعداد زیادی از آنها مسلمان شوند. در همین رابطه واتیکان با انتشار آماری رسمی از افزایش مسلمانان جهان در سال ۲۰۰۸ و قرار گرفتن این دین در رتبه اول پیروان ادیان مختلف خبر داد. در آمار رسمی واتیکان آمده است: مسلمانان در حال حاضر ۱۹/۲ درصد جمعیت جهان را دارا می‌باشند در حالی که مسیحیان با ۱۷/۴ درصد جمعیت جهان برای اولین بار از تعداد پیروان دین اسلام عقب افتاده‌اند. گفتنی است که بسیاری از مطبوعات هلند واکنش مسالمت‌آمیز مسلمانان و موضع‌گیری‌های حکیمانه آنان را در پی این اقدام ستوده‌اند، موضع‌گیری که سبب شده احساسات مردم هلند نسبت به مسلمانان برانگیخته شود و در واقع باعث شده است تا فیلم ضد اسلامی گرت ولدرز نتایج معکوسی بر افکار عموم داشته باشد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> . جوان آنلاین، ۱۳۹۱.

<sup>۲</sup> . سایت موعود، ۱۳۸۷.

## ۲- تحریک غیر مسلمان‌ها برای مطالعه در مورد اسلام

حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی در امریکا و تبلیغات گسترده غرب علیه اسلام و مسلمانان، جستجو برای کشف حقیقت را نزد تعداد زیادی از مردم جامعه غرب به وجود آورد، آنان که از طرفی با سیل تبلیغات علیه دین اسلام از سوی دولتها و رسانه‌های غربی مواجه بودند و از سویی هم از ماهیت دروغ پردازی دولت هایشان نیز آگاهی داشتند، طی پنج سال گذشته و پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، تلاش خودانگیخته‌ای را برای شناخت و مطالعه اسلام آغاز کردند و در این میان تعداد زیادی از مردم اروپا و امریکا به دین اسلام مشرف شدند.

«محمد ناصر» مدیر یک مرکز اسلامی در منطقه واشنگتن، ضمن تأیید این مطلب می‌گوید: «امسال همزمان با تهدیدها برای سوزاندن نسخه‌هایی از قرآن و افزایش اعتراضات به ساخت مسجد بیت قرطبه در محل حادثه ۱۱ سپتامبر، ۱۸۰ زن و مرد از اهالی نیویورک اسلام آوردند.»

«مریم فرانسوا» بازیگر زن انگلیسی است که به تازگی به دین اسلام مشرف شده است. او که به دلیل بازی در فیلمی در دوران کودکی، در کشورش شهرت دارد، اکنون به خاطر روی آوردن به اسلام، مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. «مریم فرانسوا»، حادثه ۱۱ سپتامبر را از عواملی می‌داند که موجب شد وی تغییر عقیده دهد. زیرا پس از این حادثه، موجی گسترده از تبلیغات منفی در مورد اسلام، در غرب به راه افتاد. او می‌گوید: این مسئله، موجب کنجکاوی بیشتر من درباره اسلام شد و تصمیم گرفتم این آئین را مطالعه کنم. اما با بررسی‌های بیشتر در دیدگاه‌های نظری اسلام، آن را از جهات مختلف، آئینی کامل و جامع یافتم. تاریخ پرفراز و نشیب تاریخ اسلام، برایم جالب بود و زندگی و شخصیت حضرت محمد مرا مجذوب خود کرد. «مریم فرانسوا» که از تحصیل کردگان انگلیسی است، پیامبر اسلام را مرد صلح می‌داند. او شیفته شخصیت بزرگ محمد مصطفی (ع) آخرین فرستاده خداوند است. محبت پیامبر (ص) به قلب او راه یافته است و با شور و شوق در مورد ویژگی‌های ممتاز پیامبر (ص) سخن می‌گوید. او معترف است: " نگاه کردن به شخصیت پیامبر اکرم (ص) و تأمل در برخی گفته‌های ایشان - از جمله اینکه

می‌فرماید: باید راست گو بود حتی در جایی که به ضرر فرد است و یا به کسی که به تو بدی کرده است، به او نیکی کن - از عوامل محوری اسلام آوردن من است. " او می‌افزاید: " پیامبر اسلام، شخصیت بزرگ تاریخ بشر است که در هاله‌ای از سوء تفاهم قرار گرفته و به درستی شناخته نشده است".<sup>۱</sup>

"دیه گو ردد" یک جوان تازه مسلمان آمریکایی است. او در رشته هنرهای آزاد دانشگاه سونی نیویورک درس می‌خواند. دیه گو، از کسانی است که بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر، مسلمان شد. او پس از گرویدن به اسلام، نام "علی اکبر" را انتخاب کرده است. او درباره مسلمان شدن خود می‌گوید: "اندیشه‌های غربی با روحیات و افکار من سازگاری نداشت و مرا اقناع نمی‌کرد. در نتیجه در درونم همواره با این افکار در ستیز بودم و به دنبال یک نظام فکری قابل قبول می‌گشتم؛ فلسفه‌ای که مرا در درک معنای زندگی یاری کند." دیه گو ادامه می‌دهد: "در آمریکا اندیشه غیرمذهبی حاکم است که به این سؤالات پاسخ نمی‌دهد. زندگی بی بند و بار غربی، هم اینک همجنس‌گرایی را به جوانان تحمیل می‌کند و بنیان خانواده را سست و بی دوام ساخته است. من قادر به پذیرفتن این نوع نگرش نبودم. این سؤالات برای من مطرح بود که ما برای چه در این دنیا هستیم و چگونه و به چه شیوه ای باید زندگی کنیم؟ بهترین راه زندگی چیست؟ این پرسش‌ها در ذهن من مطرح بود. لذا پس از رویداد ۱۱ سپتامبر در آمریکا، و موضع‌گیری غرب علیه اسلام، بیشتر کنجکاو شدم و به مطالعه درباره ایران و آیت الله خمینی روی آوردم. خواندن یکی از کتاب‌های امام خمینی باعث شد که من اسلام و مذهب شیعه را به عنوان دین خود، انتخاب کنم. " او که تحت تاثیر شخصیت معنوی امام خمینی قرار گرفته است، می‌گوید: "آیت الله خمینی فردی است که راه رسیدن به اسلام را به من نشان داد و ایران دارای میراث غنی فرهنگ و تمدنی چند هزار ساله است."<sup>۲</sup>

هفته نامه بلژیکی WARLOSE در مقاله‌ای که اخیراً به چاپ رسانده، می‌نویسد

<sup>۱</sup> . خبرگزاری فارس، اگوست ۲۰۱۱.

<sup>۲</sup> . سایت اینترنتی رهیافتگان، ۱۳۸۶.

بیش از ۴۰ هزار بلژیکی طی چند سال اخیر به اسلام گرویده اند. این مقاله با اشاره به جمعیت ۴۵۰ هزار نفری مسلمانان در بلژیک که کل جمعیت آن به ۱۰ میلیون نفر می‌رسد، می‌افزاید: چنانچه روند گرویدن بلژیکی‌ها به اسلام با شتاب کنونی پیش برود، جمعیت مسلمانان در این کشور تا سال ۲۰۱۲ به راحتی به نیم میلیون نفر افزایش خواهد یافت. بلژیکی‌هایی که از مسیحیت فاصله گرفته و به اسلام گرویده اند، دلیل این گرایش خود را در این می‌بینند که در اسلام، بین انسان و خدا واسطه‌ای قرار ندارد. همچنین اسلام به پاکی در زندگی معنوی، توجهی قابل‌تحمین دارد. این همان چیزی است که امروز غرب و اروپا از فقدان آن رنج می‌برد. با این حال دولت‌های غربی از روند گرایش مردم به دین اسلام ترس و هراس دارند و تلاش دارند تا دامنه تبلیغات و فشار علیه مسلمانان را بیشتر نمایند. گرایش به اسلام در آمریکا و اروپا بعد از حملات یازده سپتامبر به شدت رو به افزایش است.

شبکه تلویزیونی «آر. تی. ال» که از بروکسل برنامه پخش می‌کند در گزارشی راجع به رواج اسلام در این کشور اعلام کرد از ابتدای سال جاری میلادی تاکنون ۳۰۰ تن از مردم بلژیک به اسلام گرویده‌اند. یعنی هر روز بیشتر از یک نفر به اسلام گرویده که این مسئله در تاریخ بلژیک بی‌سابقه بوده است. این شبکه به نقل از افرادی که دین اسلام را برگزیده‌اند می‌گوید یکی از مهمترین دلایل این امر، افزایش تعداد کسانی است که به جهت وضعیت پیش آمده و افزایش تبلیغات علیه اسلام، کنجکاو شده و برای پاسخ به سئوالاتی که در ذهنشان ایجاد شده، به مطالعه قرآن پرداخته‌اند. به طوری که پس از مطالعه قرآن نه تنها از این دین متنفر نشده‌اند، بلکه به سوی آن هم تمایل پیدا کرده‌اند آنها همچنین پس از بررسی‌ها و تحقیقات دقیق و مقایسه اسلام با سایر ادیان و توجه به جنبه‌ها و ابعاد روحانی و معنوی اسلام به این دین روی آورده‌اند. برپایه این گزارش در جمهوری چک نیز تعداد مسلمانان سریعاً در حال افزایش است که بخشی از این پدیده از افزایش مهاجرت مسلمانان از سایر کشورهای اسلامی به این کشور و بخشی دیگر از گرایش افراد تازه به اسلام ناشی می‌شود. در حال حاضر

جمعیت مسلمانان در جمهوری چک به ۱۰ هزار نفر بالغ می‌شود و در پراگ پایتخت این کشور یک مسجد و مرکز اسلامی به تعلیم و ترویج اسلام فعالیت دارد.

### ۳- افزایش تعداد مساجد و مراکز تبلیغی - اسلامی

علیرغم گسترش دامنه توطئه‌های دولت‌های غربی و ستیز آنها با اسلام، تعداد گروندگان به اسلام در غرب، رو به افزایش است. از نشانه‌های این گرایش می‌توان به افزایش بی‌سابقه فروش قرآن کریم و ترجمه‌های آن به زبان‌های مختلف از جمله؛ انگلیسی، فرانسوی و آلمانی و همچنین افزایش احداث مساجد و مراکز تبلیغی و اسلامی در آمریکا و اروپا اشاره کرد.

طبق یک تحقیق جدید انجام شده در مورد آمار مساجد در آمریکا، شمار مساجد در این کشور در طول دهه اول هزاره سوم میلادی با افزایش تقریباً دو برابری مواجه بوده است. براساس یک مطالعه که نتایج آن در روزنامه USA Today تحت عنوان "مساجد آمریکا در سال ۲۰۱۱" منتشر شد، شمار مساجد در آمریکا با رشد ۷۴ درصدی به بیش از ۲۱۰۰ مسجد در سال ۲۰۱۱ رسیده است. این در حالی است در آغاز هزاره جدید میلادی ۱۲۰۹ مسجد در آمریکا وجود داشت.

"احسان باگبی"، از دست‌اندرکاران این تحقیق و همچنین استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه کنتاکی می‌گوید: این رونق ساخت مساجد نشان‌دهنده افزایش منابع مالی جامعه مسلمان و افزایش تعداد مسلمانانی است که در این کشور زندگی می‌کنند. همچنین مشخص شده نمازگزاران مساجد از نظر قومیتی بسیار دارای تنوع هستند بسیاری از آنها از آسیای جنوبی، اعراب و آفریقایی آمریکایی‌ها هستند. ابراهیم هوپر سخنگوی شورای روابط اسلامی آمریکایی اظهار داشت: هر قدر تعداد مساجد و مسلمانان در آمارها بیشتر باشد به این معنا است که ما در حاشیه قرار نداریم.

این تحقیق که با حمایت شورای روابط آمریکا و اسلام انجام گرفته است نشان می‌دهد که بیشتر افزایش مساجد در شهرها رخ داده است. اما این افزایش صرفاً در محدوده شهری رخ نداده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که شمار مساجد در مناطق حومه‌ای نیز ۲۸ درصد رشد داشته است؛ در حالی که این رقم در سال ۲۰۰۰ میلادی ۱۶ درصد بود. شهر نیویورک

با داشتن ۲۵۷ مسجد دارای بیشترین تعداد مسجد در آمریکا است و کالیفرنیا نیز با ۲۴۶ مسجد بعد از آن قرار دارد. تگزاس نیز با ۱۶۶ مسجد در رتبه سوم قرار دارد.

شمال شرقی آمریکا در سال ۲۰۰۰ دارای بیشترین تعداد مساجد بود، اما اکنون بعد از یک دهه جنوب آمریکا دارای بیشترین تعداد مساجد است. کارشناسان افزایش تعداد مسجد در آمریکا را دلیل دیگری مبنی بر این که اسلام بیش از دیگر مذاهب در آمریکا در حال رشد است، قلمداد می‌کنند.<sup>۱</sup>

به گزارش آینده روشن به نقل از پایگاه خبری تقریب، در شهر مانهایم آلمان بزرگترین مسجد این کشور در جایی ساخته شده که زمانی مهم‌ترین کلیسای منطقه بوده است، البته باید توجه داشت که مسئله تبدیل شدن کلیساها به مساجد در اروپا تبدیل به امری عادی و روزمره شده است و نشان‌دهنده این است که اسلام در اروپا به سرعت در حال گسترش است. نکته جالب توجه این است که در این شهر هر هفته تنها ۱۵۰ مسیحی در کلیسای "لیب فراون" حضور پیدا می‌کنند، در حالی که در مسجد "یعوذالسلطان اسلیم" هر هفته بیش از ۳۰۰۰ مسلمان برای اقامه نماز جمعه گرد هم می‌آیند. در واقع از زمان تأسیس این مسجد در سال ۱۹۹۵ میلادی تا کنون مراکز خرید زیادی ویژه مسلمانان به وجود آمده که در نوع خود بی‌نظیر است.

شهر مانهایم تنها شهر اروپایی نیست که چنین ویژگی‌هایی دارد، در سرتاسر این قاره، اسلام به عنوان بزرگترین دین در حال گسترش است. اسلام در واقع نه تنها در ظاهر معماری اروپا تغییر ایجاد کرده، بلکه در حال نفوذ و ایجاد تغییر در بافت اجتماعی و فرهنگی مردم این قاره نیز هست.

۱۰ سال پیش تنها یک مسجد در آلمان وجود داشت که تمامی مسلمانان این کشور نمی‌توانستند به آن دسترسی داشته باشند، اما اکنون بیش از ۱۵۰ مسجد بزرگ در آلمان ساخته شده است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> . پایگاه خبری تحلیلی فردا نیوز، ۱۳۹۰.

<sup>۲</sup> . خبرگزاری آینده روشن، ۱۳۸۹.

به گفته «ابراهیم حسین مالاباری» یکی از رهبران اسلامی - که مدیر مرکز اسلامی تورنتوی کانادا و یکی از مقامات بلندپایه جامعه اسلامی شمال آمریکا می‌باشد - مردم آمریکا در حال حاضر مشتاق یادگیری مسایلی در مورد اسلام هستند که این گرایش به اسلام پس از حملات یازدهم سپتامبر شدت بیشتری به خود گرفته است، البته یکی از دلایل این مسئله با رجوع زیاد غیرمسلمانان برای دریافت کتاب‌های اسلامی و نوارهای کاست قرآنی قابل اثبات است. وی گفت: تعداد غیرمسلمانانی که از مساجد و مراکز اسلامی پس از حملات ۱۱ سپتامبر دیدن کرده‌اند، به طور حیرت‌انگیزی افزایش پیدا کرده است.

محققان اسلامی برای ایراد سخنرانی در کلیساها، شرکت‌ها و کالج‌ها دعوت می‌شوند. رهبران اسلامی و اندیشمندان مسلمان در شبکه‌های تلویزیونی حضور می‌یابند و به تشریح و توضیح مواضع خویش می‌پردازند. اگرچه موج اسلام‌خواهی در آمریکا شدت پیدا نموده است اما به موازات آن گروه‌هایی در آمریکا هستند که می‌خواهند با هر شیوه‌ای و حتی شیوه‌های غیرقانونی مسلمانان را تحت فشار و اذیت قرار دهند. مجلس روابط اسلامی آمریکا با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که چند ماه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، ۱۴۵۲ مورد شکایت در ارتباط با تعدی و آزار مسلمانان مقیم این کشور دریافت کرده است. این بیانیه توضیح می‌دهد که تجاوزات صورت گرفته شامل تعدی در اماکن عمومی، وارد ساختن لطمه بدنی، تخریب مایملک شخصی، اذیت و آزار نیروهای امنیتی و پلیس فدرال، تبعیض در فرودگاه‌ها، محل کار، مدرسه، قتل، تهدید به قتل و تهدید به بمب‌گذاری در ساختمان‌ها بوده است.

مجلس روابط اسلامی آمریکا نسبت به وخیم‌تر شدن اوضاع هشدار داد و گفت: نزدیک به ده هزار خانواده مسلمان فاقد هرگونه حمایت و کمک قانونی در معرض آسیب‌های جدی قرار گرفته‌اند. در ادامه بیانیه آمده است که موج تجاوز و تعدی به حقوق مسلمانان به شکل سازمان‌یافته هم‌چنان ادامه دارد. این مرکز

اسلامی خاطرنشان ساخت که مشاهده موارد یاد شده در اکثر ایالات آمریکا حکایت از آن دارد که این پدیده به شکل فراگیری گسترش یافته است. با این وجود فطرت‌های بیدار شده راه سعادت خود را در گرویدن به این دین مبین می‌یابند و حتی در میان سربازانی که برای جنگ به کشور مسلمان عراق فرستاده شده‌اند، عده‌ای به دین اسلام گرویده‌اند.

به نقل از روزنامه «الریاض» چاپ عربستان یکی از کارکنان دادگاهی در بغداد در گفتگو با «الریاض» اعلام کرده است که سربازی آمریکایی به نام «جوزف سیمون» با درجه سروانی مسلمان شد و نامش را به «صلاح‌الدین» تغییر داد. وی در ادامه سخنانش افزود که قاضی مقداد صادق بیان کرده است که وی از ورود این سرباز آمریکایی به دادگاه در حالیکه شهادتین می‌گفت، غافلگیر شده است. این سرباز آمریکایی اظهار داشت که وی اسلام را به عنوان دین خود پذیرفته است. به گزارش این روزنامه، جوزف سیمون گفته است: وی پس از ارتباط با بعضی از جوانان عراقی که برای اقامه نماز به مسجد می‌رفتند و البته بر زبان انگلیسی هم مسلط بودند با دین اسلام آشنا شده و بعد از آن هم به دین اسلام گرویده است. در جنگ اول خلیج فارس نیز عده زیادی از سربازان آمریکایی مسلمان شدند. روزنامه «الوطن» خبر داد که در طول جنگ اول خلیج فارس ۲۵ هزار سرباز آمریکایی مسلمان شدند و مسلمان شدن آنها را یک قاضی در پایگاه هوایی طهران تأیید نموده است. گرویدن این عده به اسلام نتیجه تلاش‌های دعوت‌گران اسلامی و به ویژه دعوت‌گر آمریکایی فیلیس و دکتر مصری، زغلول النجار، بوده است.<sup>۱</sup>

«موشه بیلجین» پژوهشگر یهودی، در تحلیل وضعیت اجتماعی آمریکا و اروپا می‌گوید:

«آمریکا با همه توان نظامی و اقتصادی اش و اروپا با همه سیاست‌های زیرکانه و مرموز خود، توان مقابله با موج انتشار اسلام را نداشته و این یک

۱. شریفی، ۱۳۸۸.



واقعیت است که اسلام در آینده ای نه چندان دور، حرف اول را در جهان غرب خواهد زد. « وی می‌افزاید: «جبر تاریخی در اروپا موجب شده که اسلام خواهی در این قاره روز به روز گسترش یافته و آثار این گسترش فرهنگی اسلام را در بسیاری از موارد می‌توان مشاهده کرد. بیج‌ن تصریح می‌کند: گسترش احداث مساجد در آمریکا و اروپا به اندازه ای است که بسیاری از کلیساها تبدیل به موزه شده و در عوض مساجد، گنجایش حجم انبوه نمازگزاران را ندارند.<sup>۱</sup>

#### ۴- رواج ایده شکل‌گیری اروپای مسلمان

در میان ملت آلمان، تعداد گروندگان به اسلام رشد چشم‌گیری داشته و با چنین شتابی به نظر می‌رسد که آلمان در پایان این قرن تبدیل به بزرگترین کشور مسلمان‌نشین گردد. روزنامه آلمانی فرانکفورتر آگماینه در یکی از گزارشات خود نوشته است که در سال ۲۰۴۰ اشتوتگارت شهری با اکثریت مسلمان و در پایان همین قرن آلمان یک کشور مسلمان‌نشین در اروپا خواهد شد. آلمانی‌ها روزبه‌روز بیشتر به اسلام می‌گروند. بسیاری از آنها حتی با ریشه‌های خود قطع رابطه و پل‌های پشت سر را خراب کرده‌اند. این اشخاص در اجتماعات و مساجد و سازمان‌های اسلامی فعالانه شرکت می‌کنند، به تحصیل و یا تعلیم علوم اسلامی مشغولند، انتشارات یا کتاب‌فروشی اسلامی بنیان‌گذاری می‌کنند. این‌ها آلمانی‌هایی هستند که به اسلام گرویده‌اند.

به اعتقاد پژوهشگران آلمانی گرویدن به اسلام بسیار ساده و راحت است و فرد با گفتن شهادتین اسلام را می‌پذیرد. اتحادیه ملی مسلمانان روسیه از افزایش شمار گروندگان به اسلام در این کشور خبر می‌دهد. گئورگی امیر ماواراف سخنگوی اتحادیه ملی مسلمانان روسیه با ذکر این آمار به نقل از شورای مفتیان روسیه از افزایش شمار گروندگان به اسلام در این کشور خبر می‌دهد. در سال ۲۰۰۳ بیش از ۵۰۰ تن به دین اسلام گرویده‌اند که نسبت به سال‌های ۲۰۰۲ (۴۸۷ نفر) و ۲۰۰۱ (۴۳۰ نفر) افزایش نشان می‌دهد. ضمناً از این تعداد ۶۰ درصد را زنان و ۴۰ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. روسیه دارای جمعیت

<sup>۱</sup>. همان.

مسلمانی بالغ بر ۲۳ میلیون نفر است که ۱۵ درصد از جمعیت ۱۴۵ میلیونی این کشور را تشکیل می‌دهند. در مسکو پایتخت این کشور حدود ۲ میلیون مسلمان زندگی می‌کنند. طبق گزارش‌های رسمی در فدراسیون روسیه بیش از سه هزار مؤسسه مذهبی مسلمان فعالیت دارد و طبق منابع دیگر این رقم نزدیک به ۷ هزار است.<sup>۱</sup>

تعداد مسلمانان در سوئیس نیز ظرف ۵ سال گذشته از ۱۰۰ هزار نفر به ۴۰۰ هزار نفر رسیده است هم‌اکنون اسلام در بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله آلمان، انگلستان و فرانسه به عنوان دین دوم محسوب می‌شود. فرانسه با بیش از ۵ میلیون مسلمان، آلمان با ۳ میلیون، انگلستان با ۲ میلیون، به ترتیب بیشترین جمعیت مسلمان در میان کشورهای اروپایی هستند.<sup>۲</sup>

هر روز به جامعه نزدیک به دو میلیونی مسلمانان در انگلیس افزوده می‌شود. مسلمانان انگلیس موفق شده‌اند ۵ کرسی را در شورای واردات به دست آورند، بررسی‌ها و پژوهش‌هایی که اخیراً در مورد اسلام به عمل آمده است نشان می‌دهد که این دین به طور گسترده در بین جامعه انگلیس گسترش یافته است به طوری که در چند سال اخیر بیش از ۱۴ هزار انگلیسی به دین اسلام روی آورده‌اند. و بنابر گزارش هفته‌نامه «سندی تایمز» تاکنون نزدیک به ۷۷ هزار زن انگلیسی به اسلام گرویده‌اند.

اغلب تازه مسلمانان از کتاب «اسلام و منزلت انسان» اثر چارلز لوجای ایتون، دیپلمات برجسته خارجی انگلیسی تأثیر پذیرفته‌اند. مسلمان شدن افراد مشهوری مانند «یوسف اسلام» ستاره سابق آهنگ‌های پاپ، «ایما کلارک»، نوه هربرت اسکات نخست‌وزیر سابق انگلیس و «جانانات برت» پسر شاهزاده برت رئیس سابقه شبکه بی‌بی‌سی نیز در گرویدن انگلیسی‌ها به دین اسلام تأثیر زیادی داشته است. شواهد نشان می‌دهند که اسلام به طور رسمی، پذیرشی عام از سوی همگان پیدا کرده است. حتی این نکته در قلب دستگاه حکومتی نیز دیده می‌شود. ملکه انگلیس به تازگی ترتیبی داده

<sup>۱</sup> . همان.

<sup>۲</sup> . توحیدی، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۶.

است که به کارمندان مسلمان کاخ بوکینگ‌هام مرخصی داده شود تا بتوانند در نماز جمعه مساجد شرکت کنند. به طور کلی افزایش شمار مسلمانان در اروپا به گونه ای است که برخی از مخالفان این روند، از آن تحت عنوان «بمب ساعتی» نام می‌برند. «آدریان میکائیلز» محقق اروپایی یکی از این افراد است.

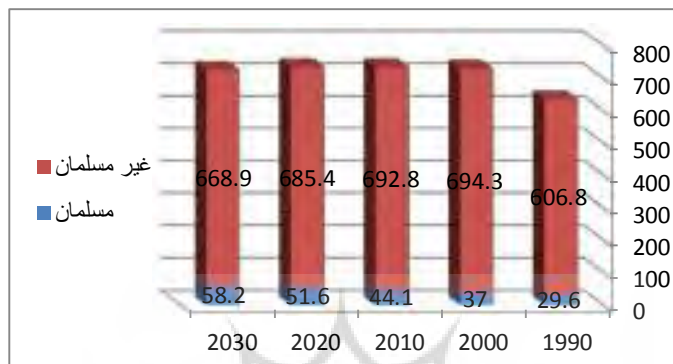
به گزارش خبرگزاری فرانسه، میکائیلز با ارائه مقاله ای در اوت سال ۲۰۰۹ به انگلیس و سایر کشورهای اروپایی هشدار می‌دهد که این بمب ساعتی را نادیده نگیرند به ادعای میکائیلز طی دو دهه آینده یورش مهاجران مسلمان به قاره اروپا، چهره این قاره را عوض خواهند کرد، این در حالی است که به گفته وی، هیچ سیاستمداری درباره آن صحبت نمی‌کند.<sup>۱</sup>

محققین و استراتژیست‌های غربی، پیش از این نسبت به شکل‌گیری اروپای مسلمان تا سال ۲۰۵۰ هشدار داده‌اند. آنها افزایش رشد جمعیت مسلمان در اروپا از طریق مهاجرت و یا ازدیاد نسل، و همچنین رشد منفی جمعیت در اروپا را عامل این موضوع دانسته‌اند. تشکیل اروپای مسلمان، چیزی است که باعث شد استراتژیست ارشد فرهنگی غرب "برنارد لویس" طی نامه ای خطاب به "پاپ بندیکت" نسبت به آن هشدار دهد. به گزارش حوزه ی بین الملل و به نقل از گاردین: "مرکز تحقیقات پیو" بر اساس مطالعات خود و با در نظر گرفتن رشد منفی جمعیت اروپا؛ اذعان نمود که بسیاری از کارشناسان معتقدند، کشور فرانسه تا ۲۰۴۸ به یک "جمهوری اسلامی" تبدیل خواهد شد، و آلمان در مسیر تغییر به یک "دولت اسلامی" تا سال ۲۰۵۰ است.<sup>۲</sup> البته مراکز دیگر تحقیقاتی اروپا، رقم این نرخ رشد جمعیتی را بسیار بیشتر از این ذکر کرده اند و این حداقل پیش‌بینی است. همان طوری که جدول زیر به خوبی نشان می‌دهد جمعیت مسلمان‌ها در کشورهای اروپایی از ۲۹/۶ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ به ۴۴/۱ میلیون نفر در سال ۲۰۱۰ رشد داشته است. انتظار می‌رود نسبت مسلمانان در قاره اروپا نیز ظرف ۲۰ سال آینده تا حدود یک

<sup>۱</sup> . محقق، ۱۳۹۱: ۱۲.

<sup>۲</sup> . سایت موعود، ۱۳۸۹.

سوم افزایش یابد و از ۶ درصد ساکنان منطقه در ۲۰۱۰ تا ۸ درصد در ۲۰۳۰ تغییر کند. از لحاظ کمی، پیش‌بینی می‌گردد که جمعیت مسلمانان اروپا از ۴۴,۱ میلیون نفر در ۲۰۱۰ به ۵۸,۲ میلیون نفر در ۲۰۳۰ رشد داشته باشد.<sup>۱</sup>



Pew Research Centers forum on Religion & public life. The future of the Global Muslim population, January ۲۰۱۱

جدول زیر میزان رشد جمعیت مسلمانان و غیر مسلمانان را در هر ده سال نشان می‌دهد.

### پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

<sup>۱</sup> بیشترین افزایش - که عمدتاً ناشی از تداوم مهاجرت هاست - احتمالاً در اروپای غربی و شمالی رخ خواهد داد که مسلمانان ساکن در برخی از کشورها به درصد دورقمی نزدیک می‌شوند. برای مثال، در انگلستان انتظار می‌رود که مسلمانان ۸,۲ درصد جمعیت این کشور (در مقایسه با ۴,۶ درصد فعلی) را در سال ۲۰۳۰ تشکیل دهند. در اتریش، پیش‌بینی می‌شود که مسلمانان به ۹,۳ درصد از جمعیت در ۲۰۳۰ برسند اما در حال حاضر ۵,۷ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. در سوئد این نرخ ۹,۹ درصد (هم‌اکنون ۴,۹ درصد)، در بلژیک ۱۰,۲ درصد (هم‌اکنون ۶ درصد) و در فرانسه ۱۰,۳ درصد (هم‌اکنون ۷,۵ درصد) خواهد بود. (موسسه پیو، ۱۳۹۰) جمعیت مسلمانان اروپا پیش‌بینی می‌شود که به ۵۸ میلیون نفر در سال ۲۰۳۰ برسد. جمعیت مسلمانان امروزه در حدود ۶ درصد کل جمعیت اروپا را تشکیل می‌دهند در حالی که در سال ۱۹۹۰ ۴/۱ درصد بوده است. این جمعیت انتظار می‌رود در سال ۲۰۳۰ بیش از ۸ درصد کل جمعیت اروپا باشد. (موسسه پیو، ۱۳۹۰)

Pew Research Centers forum on Religion & public life. The future of the Global Muslim population, January ۲۰۱۱

این جدول رشد جمعیت مسلمانان را در اروپا در طی دو دهه آینده بررسی می‌کند. از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ تعداد جمعیت مسلمانان اروپا در حدود ۱۴/۵ میلیون نفر افزایش یافته است. در ۲۰ سال آینده پیش بینی می‌شود که جمعیت مسلمانان ۱۴ میلیون نفر افزایش یابد. این جدول نشان می‌دهد رشد جمعیت مسلمانان سریعتر از جمعیت غیر مسلمانان است با کاهش جمعیت غیر مسلمانان انتظار می‌رود جمعیت مسلمانان رشد بالاتری داشته باشد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری؛ چشم‌انداز وضعیت مسلمانان در اروپا

در دوران معاصر، اروپا و آمریکا شاهد رشد و افزایش گرایش به اسلام هم در میان شهروندان عادی و هم نخبگان بوده است. اولین موج این گرایش در پی فروپاشی اتحاد شوروی شکل گرفت و اسلام به عنوان منشأ هویت یابی شماری از کشورهای جدید مطرح شد. در این برهه، علاوه بر اینکه دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی اروپا گام‌های جدیدی برای شناخت اسلام و جغرافیای نوین آن برداشتند در میان شهروندان مسلمان این منطقه نیز شوق و شوری تازه پدیدار شد، به نحوی که مراکز اسلامی سریعاً توسعه یافته و تعداد مساجد مسلمانان افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت.

موج دوم گرایش به اسلام بعد از حملات ۱۱ سپتامبر شکل گرفت. شمار زیادی از شهروندان و نخبگان اروپایی و آمریکایی پس از این وقایع به مطالعه متون اسلامی به ویژه قرآن کریم روی آوردند. به علاوه مسلمانان اروپا در واکنش به فضای رعب و وحشت و گسترش اسلام ستیزی و اسلام‌هراسی، بر تحرک و فعالیت خود در مساجد و مراکز اسلامی افزودند تا بر انزوایی که اقدامات دستگاه‌های امنیتی و پلیسی متعصب متشکل از روشنفکران سکولار، سیاستمداران افراطی بر آنها تحمیل می‌کرد فایق آیند. حملات ۱۱ سپتامبر در آمریکا و به دنبال آن وقوع حوادث تروریستی در مادرید و لندن، توسط گروه القاعده از یک سو و تعمیم دادن اقدام این گروه به مسلمانان همراه با تبلیغات گسترده

توسط آمریکا و برخی از رسانه‌های غربی از سوی دیگر، موجب شد تا جوامع اسلامی در اروپا بیشتر مورد توجه و موشکافی قرار گیرند و نوعی ذهنیت منفی در افکار عمومی اروپایی نسبت به آنها شکل گیرد. این ذهنیت منفی به نوبه خود سبب شده است تا تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌هایی که در گذشته در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در خصوص اقلیت‌ها در اروپا وجود داشته در مورد اقلیت مسلمان در کشورهای اروپایی، با شدت و حدت بیشتری تداوم پیدا کند. در واقع، امروزه برخی از کشورهای اروپایی ضمن حفظ سیاست تبعیض‌آمیز خود با این چالش در رابطه با جمعیت مسلمان خود روبرو می‌باشند که چگونه می‌توان در شرایطی که تنش‌های سیاسی بالا گرفته و تکرر فرهنگی بیش از پیش خود را آشکار و نمایان ساخته، مسلمانان را در بدنه اجتماع ادغام کرد و انسجام اجتماعی را حفظ نمود.

کشورهای اروپایی برای مقابله با این چالش هر کدام سیاست و روش خاص خود را اتخاذ کرده‌اند. اتخاذ این روش‌ها به عواملی نظیر، سنت سیاسی هر کشور در برخورد با نقش مذهب در زندگی سیاسی و اجتماعی؛ نقش اقلیت‌ها و میزان به رسمیت شناختن چند فرهنگ‌گرایی؛ کشور یا کشورهایی که موطن اصلی مسلمانان مهاجر بوده‌اند؛ تاریخچه و نحوه حضور مسلمانان (به عنوان کارگر مهاجر، پناهنده و غیره) و نیز نوع رابطه با کشور مهاجر فرست (سابقه استعماری)؛ و سرانجام تعداد مسلمانان نسبت به کل جمعیت و پراکندگی جغرافیایی آنان (اینکه تا چه اندازه آنان تهدید به شمار می‌روند)، بستگی دارد. کشورهایی مانند فرانسه و آلمان بیشتر تمایل به ادغام مسلمانان در جوامع ملی خود دارند به شرطی که آنان با پذیرش فرهنگ و ارزش‌های کشور میزبان، چندان تأکیدی بر هویت اسلامی خود به عمل نیاورند. در مقابل، در کشورهای نظیر انگلستان امکان پایبندی مسلمانان به ارزش‌های اسلامی فراهم گردیده، اما مسلمانان به صورت اقلیتی مجزا باقی مانده و با آنها به همین صورت برخورد می‌شود.

در میان موضوعاتی که در نتیجه حضور مسلمانان در کشورهای اروپایی مطرح شده است، می‌توان به سه دسته از مطالبات اشاره کرد. دسته اول به طور مستقیم به مطالبات جوامع مسلمان در رابطه با انجام فرایض و تکالیف دینی مربوط می‌شود. این مسائل تا

حدودی به باورهای اسلامی مسلمانان ربط پیدا می‌کنند و عوامل فرهنگی و سنت‌های ملی نیز در آنها دخیل می‌باشند؛ در این ارتباط می‌توان به مسائلی نظیر احداث مساجد و تأمین امامان جماعت برای مساجد اشاره نمود. در گروه دوم مسائلی قرار می‌گیرند که معمولاً با ارزش‌های اجتماعی کشور میزبان مغایر است و نشئت گرفته از فرهنگ و سنت‌های خاص ملیت‌های مسلمان هستند. از جمله این مسائل می‌توان به حفظ حجاب اسلامی بانوان در موقعیت‌هایی که پوشیدن حجاب از طرف دولت میزبان ممنوع اعلام شده اشاره نمود، گروه سوم از مطالبات شامل مواردی می‌شود که مبتلا به اقشار وسیعی از مردم است، اما از آنجا که مسلمانان در اقلیت قرار دارند و نسبت به آنان دیدگاه منفی و تعصب‌آمیزی به وجود آمده است، بار مشکلاتشان سنگین‌تر می‌شود.

برای مثال، شرایط نامطلوب اقتصادی و اجتماعی مانند فقر، بیکاری، گرانی، بزهکاری و دیگر نارسایی‌ها با توجه به تبعیض‌هایی که در مورد مسلمانان در برخی از کشورهای اروپایی روا داشته می‌شود، بیشتر گریبانگیر آنان می‌شود. از یک سو، ذهنیت منفی افکار عمومی که به صورت اسلام هراسی متجلی می‌شود و از سوی دیگر، وقوع رخداد‌های تروریستی پس از ۱۱ سپتامبر از طرف گروه القاعده که متأسفانه تلاش گسترده‌ای به عمل آمد تا آن را به کل مسلمانان تعمیم دهند و سبب شد تا دولت‌های اروپایی سخت‌گیری بیشتری بر آنان اعمال کنند و حساسیت بیشتری در خصوص آنان به خرج دهند، شرایط را برای مسلمانان دشوارتر کرده است. این وضعیت دشوار به ویژه جوانان مسلمان را دچار سرخوردگی کرده و آنان را در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌دهد. طبیعی است که این شرایط ناخواسته گرایش به خشونت را در میان آنان تقویت نماید؛ امری که به نوبه خود سبب تقویت اسلام هراسی در جوامع اروپایی شده و باعث می‌شود که مسلمانان حکم سپر بلا را پیدا کنند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>. البته شکستن این دور باطل مستلزم اتخاذ سیاست‌هایی از جانب دولت اروپایی است تا هر چه بیشتر مشارکت مسلمانان در اداره امور جامعه را تضمین کرده و امید به موفقیت و پیشرفت را در آنها زنده کند، بی‌آنکه در این مسیر آنان وادار به ترک هویت و ارزش‌های اسلامی خود شوند. ادغام در جامعه همراه با پذیرش و به رسمیت شناختن موجودیت فرهنگ‌های مختلف و برقراری مجاری مناسب برای گفت‌وگو میان آنها و همزیستی با یکدیگر، می‌تواند کلید حل این مشکل باشد.

با این وجود، این حرکات ضد اسلامی، در بسیاری از موارد، نتایجی معکوس به بار آورده است؛ چرا که دوری از معنویت و غرق شدن در مادیات محض، غرب را به کام بحرانی عمیق و خطرناک فرو برده است. انسان غربی، امروز از نابسامانی اخلاقی و فساد و بی هویتی، خسته و درمانده شده است. جمع قابل توجهی از مردم غرب در جستجوی حقیقتی هستند که نهال انسانیت را در وجودشان زنده کند.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، در غرب تبلیغات گسترده تری علیه اسلام به راه افتاد و مسلمانان تروریست خوانده شدند. در آمریکا تبلیغات گسترده ای صورت گرفت و سمینارها و میزگردهای فراوانی برگزار شد که هدف آنها تخریب اسلام بود. اما برخلاف انتظار مخالفان اسلام، همین تبلیغات منفی و مخرب، در عده ای از مردم اروپا و آمریکا، نوعی کنجکاوی و حساسیت بوجود آورد. آنان که سیل تبلیغات علیه دین اسلام را از سوی دولتها و رسانه‌های غربی مشاهده کردند، برای شناخت اسلام و یا مقابله با آن، تلاش خودانگیخته ای را آغاز نمودند. در این میان، برای عده زیادی از مردم اروپا و آمریکا، پرده‌های دیگری از حقیقت مکشوف شده و آنها، تازگی، زیبایی و عقلانیت تعالیم اسلام را دریافته‌اند. اینک اسلام به عنوان دینی که اخلاق و معنویت رادرنکار امور مادی زندگی، لازمه داشتن جامعه‌ای سالم می‌داند و انسانیت را زیربنای نیکبختی تلقی می‌کند، جای خود را در جهان باز کرده است. در دنیای کنونی، با شیوع فساد و ناهنجاری و از طرفی نیاز شدید جوامع به تحول، اسلام، جلوه ای تازه یافته است. انسانی که خواهان ترقی و تکامل است و می‌خواهد دامنه توانایی‌ها و کامیابی‌های خود را توسعه دهد، اینک اسلام را پدیده ای راهبردی و هدایتگرانه می‌بیند که نه تنها با خواسته‌های معقول او مخالف نیست، بلکه او را برای رسیدن به سعادت همراهی می‌کند.

اگر ترکیب جمعیتی افرادی را که در غرب به اسلام می‌گروند، بررسی کنیم، می‌بینیم که تازه مسلمانان، اکثراً از افراد تحصیلکرده، روشنفکران و اندیشمندان هستند. آنها کسانی هستند که به سادگی فریب تبلیغات را نمی‌خورند و در هر مسئله ای به لایه‌های



عمیق و زیربنایی آن می‌اندیشند. این گروه از راه تحقیق و بررسی، اسلام را مورد کنکاش قرار داده و درنهایت، آن را یگانه نسخه نجات بشریت یافته‌اند.

«تئودور نولدکه» (Theodor Noldeke) دانشمند و خاورشناس آلمانی می‌گوید: «اسلام و قرآن با منطق علمی و روش اطمینان بخش و قانع کننده خود، دل‌های مخاطبان را طرف خطاب قرار می‌دهند و بر آنها تاثیر فراوان می‌گذارد. این آئین برد‌های کسانی نیز که با آن مخالفت می‌ورزند، تسلط می‌یابد و آنها را به خود می‌پیوندد. قرآن با داشتن سادگی و بلاغت خاص خود، در فضیلت به اوج کمال رسیده است.»<sup>۱</sup>

هدف اسلام، ساختن یک فرهنگ جهانی و انسانی است. از این رو، همه اقوام و ملل می‌توانند به این دین راه یابند و در آن، هیچ قوم و طبقه‌ای امتیازی خاص نسبت به دیگران ندارد. در واقع مهمترین جاذبه اسلام، پشتوانه غنی اخلاقی و معنوی آن است. مرکز این جاذبه، قرآن، کتاب بزرگ آسمانی است که با اندیشه‌های لطیف و تعالیم عالی و نیرومند خود، انسانها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. همچنین، اسلام، انرژی‌هایی در بطن خود دارد که موجب پویایی و گسترش آن می‌شود. پس دور از انتظار نیست که حقیقت آن، روز به روز در سراسر جهان، انسان‌های تشنه حقیقت را به سمت خود بکشاند و آنان را از دریای بیکران معرفت و نور سیراب گرداند. بنابراین بر خلاف تمام تلاش‌هایی که برای مقابله با اسلام‌گرایی در جهان صورت می‌پذیرد شاهد افزایش و رشد گرایش به اسلام در جهان هستیم. چندی پیش کلیسای واتیکان در بیانیه‌ای اعلام کرد که آمار مسلمانان در جهان بیشتر از مسیحی‌ها است. دولت واتیکان ضمن بیان اینکه تلاش دولتمردان غرب در تخریب چهره اسلام، دلیل گرایش غربی‌ها به اسلام است عنوان کرد: «در حالی که تعداد مسلمانان جهان از جمعیت مسیحیان بیشتر است تا پایان سال میلادی این اختلاف بیشتر خواهد شد.»

واتیکان همچنین اعلام کرد: «اسلام دینی است که در سراسر جهان گسترش پیدا کرده است و بر اساس آمار، ۲۲ درصد از ساکنان جهان، مسلمان هستند، این در حالی است که

<sup>۱</sup>. بی‌نا، ۱۳۸۹.

مسیحیان ۵/۲۱ درصد از مردم جهان را تشکیل می‌دهند.» در این بیانیه همچنین آمده است که در سال‌های اخیر بسیاری از شهروندان غربی اعم از مسیحی و پیروان سایر ادیان با وجود سرمایه‌گذاری‌های غربی‌ها برای جلوگیری از گسترش دین اسلام، به دین اسلام روی آورده‌اند.

لازم به ذکر است که طبق آمارهای رسمی و موثق بسیاری از مراکز آماردهی همچون موسسه آمار پیو آمریکا، جمعیت مسلمانان جهان بیش از دو میلیارد نفر بوده که در سال ۲۰۲۰ از مرز دو میلیارد و پانصد میلیون نفر نیز عبور خواهد کرد. همچنین هر سال حدود ۲۰ هزار آمریکایی به دین اسلام مشرف می‌شوند. به گفته مسئولان مراکز اسلامی آمریکا ۱۸۰ زن و مرد آمریکایی در سنین مختلف، همزمان با تهدیدها برای سوزاندن نسخه‌هایی از قرآن کریم و افزایش اعتراضات به ساخت مسجد بیت قرطبه در محل حادثه ۱۱ سپتامبر در نیویورک به اسلام روی آوردند. آمارهای جدید نشان می‌دهد، شمار کسانی که به اسلام روی آورده‌اند پس از حملات به واشنگتن و نیویورک افزایش یافته است. نتایج یک نظرسنجی که اخیراً در آمریکا اعلام شده است نشان می‌دهد، بعد از حملات یازده سپتامبر، تعداد آمریکایی‌هایی که به دین اسلام گرویده‌اند افزایش یافته است. براساس این نظرسنجی آمریکایی‌هایی که به تازگی به دین اسلام روی آورده‌اند معتقدند، افراط‌گرایی هیچ جایگاهی در دین اسلام ندارد.<sup>۱</sup>

به طور کلی، اکنون برآوردها حاکی از آن است که گرایش به اسلام شتاب چشمگیر داشته است. این برآوردها که توسط معتبرترین مراکز تحقیق و نظرسنجی خود آمریکا انجام شده اطلاعات شگفت‌انگیزی درباره افزایش نفوذ این مذهب ارائه می‌کند. افزایش بی‌سابقه تیراژ کتاب‌های مذهبی بویژه قرآن کریم، میزان مراجعه کنندگان به مساجد و مراکز دینی، رواج پوشش‌ها و نمادهای اسلامی در زندگی اجتماعی، ایجاد کرسی‌های مطالعات مذهبی در دانشگاه‌ها، تمرکز روی مفهوم مذهب، سایت‌ها و رسانه‌های دیجیتالی و... از بارزترین مواردی هستند که در این برآوردها بر آن تاکید شده است.

<sup>۱</sup>. اسدی، ۱۳۹۱: ۷.

از طرفی، برخی تحلیل‌گران معتقدند که اروپا در حال تبدیل شدن به یک جامعه پسا مسیحی است که فهم خود از ارزش‌های تاریخی مسیحیت را از دست می‌دهد. «ارویانا فالاجی» روزنامه نگار معروف ایتالیایی می‌گوید: دژمستحکم مسیحیت در اروپا به سرعت جای خود را به دین قدرتمند و مصمم اسلام می‌دهد. به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران عنصر مشترکی که در طول تاریخ همه اروپایی‌ها را گرد هم جمع کرده مسیحیت است و این عنصر با حضور و نفوذ اسلام در اروپا روز به روز تضعیف می‌شود.

به طور کلی در مورد افزایش نفوذ مسلمانان دو نگرانی عمده مطرح شده است: اول اینکه، اگر نفوذ اسلام در سراسر اروپا گسترده شود، برنامه‌های وحدت اروپا دچار خدشه خواهد شد، زیرا مردم این قاره بیشتر تقسیم خواهند شد و این بار نه فقط زبان بلکه دین نقش اصلی را در این تقسیم ایفاء خواهد نمود. در این صورت عامل وحدت بخش مسیحیت و به ویژه مذهب کاتولیک که تمام ملت‌های اروپایی را به هم پیوند زده تاثیر خود را از دست خواهد داد. دغدغه دوم به سنت‌های مذهبی و فرهنگی اروپا مربوط می‌شود. این سنت هاست که ملت‌های اروپایی را در قالب یک قدرت قوی و واحد در عرصه جهانی پیوند می‌زند. در همین راستا از حدود بیست سال پیش تاکنون واتیکان و پاپ تلاش نموده اند تا ملت‌های اروپایی را از میراث مسیحی شان آگاه نموده و هراسان از گسترش نفوذ اسلام، به احیای معنوی اروپا در چارچوب مسیحیت اقدام نمایند. بحران جمعیتی اروپای آینده و جمعیت روزافزون مهاجران مسلمان در این قاره پیش بینی‌های متعددی را در مورد مرگ اروپای مسیحی مطرح نموده که تاکید می‌کند رشد جمعیت مسلمانان اروپا هویت این قاره را دگرگون خواهد کرد. «جورج وایگل» نویسنده کتاب «فقه، عقل و جنگ علیه جهادی گری» معتقد است که نزول نرخ رشد جمعیت در اروپا مماشات با مسلمانان رادیکال و منسوخ شدن دینداری، حاکی از بحران اخلاقی تمدنی در اروپا می‌باشد.

بنابراین وضعیت مسلمانان اروپا می‌تواند در آینده به طور نسبی به شرح زیر باشد:

۱- افزایش و گسترش جمعیت مسلمانان در قاره اروپا؛

- ۲- عدم اثر گذاری محدودیت‌های اعمال شده دول غربی علیه مسلمانان در اروپا؛
- ۳- منسجم شدن و افزایش نهادی مدنی و انجمن‌های دینی مسلمانان در اروپا؛
- ۴- راه یابی به محافل قانون گذاری و پارلمانی توسط مسلمانان در اروپا؛
- ۵- افزایش وحدت هر چه بیشتر مسلمانان سایر کشورها در حمایت‌های حقوقی و مدنی از مسلمانان مقیم اروپا و...جملگی نشان از آینده درخشان و تابناک برای مسلمانان اروپا و جهان دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و ماخذ

۱. اسدی، حمید (۱۳۹۱) نگاهی به رشد اسلام‌گرایی در جهان، روزنامه رسالت، سال بیست و هفتم، چهارشنبه ۱۷ خرداد، شماره ۷۵۵۸.
۲. امینیان، بهادر (۱۳۸۷) اسلام ستیزی در غرب؛ دلائل و ویژگی ها، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و دوم، شماره ۱.
۳. ایرانلو، مؤگان (۱۳۸۵) می‌هراسند چون نمی‌شناسند، روزگار وصل.
۴. ایزدی، فواد (۱۳۸۹) اسلام‌هراسی در ایالات متحده، در مجموعه مقالات اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات.
۵. پایگاه خبری تحلیلی فردانیوز، (۱۳/۱۲/۱۳۹۰) افزایش دوبرابری مساجد در آمریکا، برگرفته از سایت اینترنتی: <http://fardanews.com/fa/news/191519>.
۶. توحیدی، صلاح‌الدین (۱۳۸۴) آهنگ پاپ تا آهنگ ناب، انتشارات بیان.
۷. جوان آنلاین (۱۳۹۱) گزارش «جوان» از آمار ۶۷ درصدی مسلمانان در آمریکا؛ رشد اسلام در آمریکا از همه ادیان سریع‌تر است، ۱۶ اردیبهشت.
۸. حسینی، دلجو (۱۳۸۹) روند گرایش به اسلام در غرب، گروه سیاسی شبکه دری، ۵ فروردین.
۹. خبرگزاری آینده روشن، (۱۳۸۹/۵/۱۵) افزایش تعداد مساجد در اروپا، برگرفته از سایت اینترنتی: <http://bfnews.ir/vdcjtvev.uqemhzzffu.html>
۱۰. خبرگزاری فارس (۸ اگوست ۲۰۱۱)، جاذبه قرآن مرا مجذوب اسلام کرد، برگرفته از سایت اینترنتی: <http://www.siterooz.com/past/039783.php>
۱۱. خبرگزاری مهر (۱۳۸۵/۱۲/۷) افزایش علاقه سیاهپوستان آمریکا به اسلام، <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=453769>
۱۲. خراسانی، رضا (۱۳۸۹) مواجهه غرب و اسلام سیاسی در دوره معاصر (چیستی و چرایی آن فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۴۹).
۱۳. خراسانی، رضا (۱۳۹۰) تقابل اسلام سیاسی و لیبرالیسم، شکل‌گیری بیداری اسلامی و انسانی در دوره معاصر، ماهنامه روابط فرهنگی، سال نخست، شماره ۳.
۱۴. سایت اینترنتی رهیافتگان (۱۳۸۶) دیده‌گوردرد و پرواز به سوی نور ۳۰ آذر ماه به آدرس اینترنتی: <http://www.rahyaftegan.blogfa.com>
۱۵. سایت اینترنتی موعود (۱۳۸۷) نتایج معکوس برای توهین‌کنندگان به اسلام ۲۷ فروردین به آدرس: <http://old.mouood.org/content/view/6655/2/>
۱۶. سایت خبری تحلیلی شیعه نیوز (۱۳۹۰/۱۲/۲۹) تازه مسلمان آمریکایی: جنس جامعه را با دین می‌توان تغییر داد. SHIA-NEWS.COM شیعه نیوز: کد خبر: ۳۱۶۷۲.
۱۷. سایت موعود (۱۳۸۹) گاردین اعلام کرد رشد جمعیت مسلمانان اروپا ۳۵ درصد است، دوشنبه ۲۳ اسفند ۸۹ قابل دسترسی در سایت: <http://www.mpuood.org/com>

۱۸. شریفی، فریده (۱۳۸۸) گرایش جهانی به اسلام و نگرانی و اضطراب غرب به آدرس اینترنتی: <http://www.islamtimes.html>.
۱۹. قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۷) علت یا معلول؛ ظهور ناسیونالیسم افراطی در غرب، شهروند امروز.
۲۰. کریمی، غلام رضا (۱۳۸۹) روند تحولات اسلام هراسی پس از ۱۱ سپتامبر، مجموعه مقالات اسلام هراسی پس از ۱۱ سپتامبر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲۱. مارتین، فیلیپ، جوناس، ویگرن (۱۳۸۶) مهاجرت بین المللی رویارویی با چالش ها، ترجمه ابوالقاسم ناظمی اردکانی و محمد عاملی خراسانی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
۲۲. ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۸) راهکارهای رسانه‌ای ایالات متحده آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رسانه، سال بیستم، شماره ۳، شماره پیاپی ۷۹، پاییز.
۲۳. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۵) نفرت از دشمنان معصومین (ع)، روزنامه جام جم، سه شنبه ۲۶ دی ماه.
۲۴. محقق، سبحان (۱۳۹۱) رشد اسلام گرایی بمب ساعتی اروپا، روزنامه کیهان، شماره ۲۰۳۱۷۶ مهرماه.
۲۵. مرشدی زاد، علی، غفاری هاشجین، زاهد (۱۳۸۶) اسلام هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و عوامل، فصلنامه دانش سیاسی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
۲۶. منصوری، جواد (۱۳۸۵) آمریکا و خاورمیانه، تهران: وزارت امور خارجه.
۲۷. منصوری، محمد سادات (۱۳۸۲) سیمای اسلام در اروپا، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، بی تا (۱۳۸۹) گرایش به اسلام در غرب، برگرفته از سایت: <http://dari.irib.ir/political/item/۲۲۵۷۶>
۲۸. موسسه پیو (۱۳۹۰) رشد دو برابری جمعیت مسلمان جهان در دو دهه آینده به نسبت دیگر ادیان <http://eshraf.ir/index.php/geography/۴۴-cultural-social/۶۹۸-۱۳۹۰>
۲۹. نای، جوزف (۱۳۸۷) قدرت نرم: ابزار موفقیت در نظام بین الملل، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۳۰. نقیب زاده، احمد (۱۳۸۵) نیاز به دشمن این بار اسلام، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی.
۳۱. نقیب زاده، احمد، عباس، صالحی نجف آبادی (۱۳۸۷) تحلیل ریشه‌های اسلام هراسی در غرب، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین الملل.
۳۲. نوع پرست، زهرا (۱۳۸۳) ترکیب و دودستگی آراء، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۲۰۹-۲۱۰، بهمن و اسفند.
۳۳. Pew Research Centers forum on Religion & public life. The future of the Global Muslim population, January ۲۰۱۱.
۳۴. pew Research Center. May ۲۰۰۷ Muslim Americans: Middle Class and Mostly Mainstream **Foreign policy Journal, Dec.**
۳۵. Baroud, Ramzy. ۲۰۰۹. "Muslims must nit pay price for Europe s Identity Crisis"